

## فروشنده ۱

I have a product.

من یک محصول دارم.

I have a service.

من یک خدمت دارم.

I'm an English teacher.

من یک معلم انگلیسی هستم.

Salesperson

فروشنده

You have a product.

تو یک محصول داری.

You have a commodity.

تو یک کالا داری.

You wanna sell it.

تو میخواهی آن را بفروشی.

You are a salesperson/ salesman.

تو یک فروشنده هستی.

You are a sales boy/ sales girl.

تو یک پسر فروشنده/ دختر فروشنده هستی.

I am hard up.

من از نظر مالی در سختی هستم.

I have no money.

من هیچ پولی ندارم.

I am broke.

من ورشکسته هستم.

I am in red.

من در وضعیت بدی / اسفناکی هستم.

I am in the pickle.

من وضعیت بغرنجی دارم.

I need help.

من به کمک نیاز دارم.

Please take my hand.

لطفا دست مرا بگیر.

Please help me.

لطفا به من کمک کن.

I wanna improve you.

من میخوام شما را رشد بدهم.

I wanna help you.

من میخوام به شما کمک کنم.

I wanna give you information.

من میخوام به شما اطلاعات بدهم.

I wanna elevate your knowledge.

من میخوام دانش شما را بالا ببرم.

I wanna escalate your information.

من میخوامم اطلاعات شما را بالا ببرم.

I wanna build up your experience.

من میخوامم تجربه شما را بسازم.

You can learn from me.

شما میتوانی از من یاد بگیری.

I will give you information.

من به شما اطلاعات خواهم داد.

You will improve your life.

تو زندگی ات را توسعه خواهی داد/ بهبود خواهی بخشید.

You will improve your business.

تو بیزینست/ کارت را توسعه خواهی داد.

You can establish your factory.

تو میتوانی کارخانه ات را تاسیس کنی.

You can start your job.

تو میتوانی کارت را شروع کنی.

You can open up your shop.

تو میتوانی مغازه ات را باز کنی.

You can start online shopping.

تو میتوانی آنلاین شاپینگ را شروع کنی.

You can improve yourself.

تو میتوانی خودت را توسعه بدهی.

You can grow yourself.

تو میتوانی خودت را رشد بدهی.

You can advance yourself.

تو میتوانی خودت را توسعه بدهی.

You can develop.

تو میتوانی توسعه بدهی.

And you can expand your business.

و تو میتوانی بیزینست را گسترش بدهی.

You have a business.

تو یک بیزینس داری.

You are not happy with your business.

تو از بیزینست راضی نیستی.

You are not satisfied with your business.

تو از بیزینست/کارت راضی نیستی.

Your sales are down.

فروش شما پایین است.

You are not happy with it.

تو از آن راضی نیستی.

You are not happy about it.

تو درباره آن خوشحال نیستی.

You have a bad feeling.

تو یک حس بدی داری.

I wanna help you.

من میخوام به شما کمک کنم.

How to become a salesperson!

چطور یک فروشنده بشوید.

I'm a salesperson.

من یک فروشنده هستم.

Everybody is a salesperson.

همه یک فروشنده هستند.

You have to do it.

تو باید آن را انجام بدهی.

Wash the dishes.

ظرفها را بشور.

Clean the house.

خانه را تمیز کن.

Clean the floor.

کف زمین را تمیز کن.

Wash the floor.

کف زمین را بشور.

Wash the yard.

حیاط را بشور.

Water the garden.

به باغچه آب بده.

## Persuasion

متقاعد سازی

If you can persuade me, you are selling.

اگر تو میتوانی من را متقاعد کنی، تو داری میفروشی.

A salesperson can persuade you.

یک فرد فروشنده میتواند تو را متقاعد کند.

Can give you knowledge/ information!

میتواند به تو دانش/ اطلاعات بدهد.

You can help me.

تو میتوانی به من کمک کنی.

You can take my hand.

تو میتوانی دست مرا بگیری/ به من کمک کنی.

You are a salesperson.

تو یک فرد فروشنده ای.

You are a great person.

تو یک فرد عالی هستی.

You are a perfect person.

تو یک فرد عالی هستی.

You are a good person.

تو فرد خوبی هستی.

You can give me knowledge.

تو میتوانی به من دانش بدهی.

You can build up my experience.

تو میتوانی تجربه من را بسازی.

You can build up my knowledge.

تو میتوانی دانش من را بسازی.

You can develop me.

تو میتوانی مرا توسعه بدهی.

You can expand my information.

تو میتوانی اطلاعات مرا گسترش بدهی.

Today I wanna talk about sales.

امروز من میخواهم درباره فروش صحبت کنم.

What do you sell?

تو چی میفروشی؟

I sell my knowledge.

من دانشم را میفروشم.

I sell my English knowledge.

من دانش انگلیسی ام را میفروشم.

I'm an English teacher.

من یک معلم انگلیسی هستم.

I am a body language teacher.

من یک معلم زبان بدن هستم.

I'm a negotiation teacher.

من یک معلم مذاکره هستم.

I'm a genius.

من یک نابغه هستم.

I am an elite.

من یک نخبه هستم.

I'm an educated person.

من یک فرد تحصیلکرده هستم.

I sell my information.

من اطلاعاتم را میفروشم.

You listen to me.

تو به من گوش میکنی.

You speak with me.

تو با من صحبت میکنی.

You watch my videos/ clips.

تو ویدئوهای من / کلیپ های من را تماشا میکنی.

You learn English.

تو انگلیسی یاد میگیری.

You improve yourself.

تو خودت را پیشرفت میدهی.

Because of my knowledge/ information!

به خاطر دانش من / اطلاعات من .

Because of my experience!

به خاطر تجربه من .



You improve/ develop/ grow/ advance.

تو پیشرفت میکنی/ توسعه پیدامیکنی/ رشد میکنی/ پیشرفت میکنی.

You go up.

تو بالا میروی.

I can raise/ grow your knowledge.

من میتوانم دانش تو را بالا ببرم/ رشد بدهم.

Your awareness goes up.

آگاهی شما بالا می رود.

When I give you information!

وقتی من به شما اطلاعات میدهم.

You listen to me.

شما به من گوش میکنی.

You watch me.

شما مرا تماشا میکنی.

You learn from me.

شما از من یاد میگیری.

I can help you.

من میتوانم به شما کمک کنم.

I give you information and knowledge.

من به شما اطلاعات و دانش میدهم.

I elevate/ escalate /grow /improve / develop / expand your knowledge.

من دانش شما را بالا میبرم/ بالا میبرم/ رشد میدهم/ پیشرفت میدهم/ توسعه میدهم/ گسترش میدهم.

Your experience!

تجربه شما.

As a result, you learn from me.

در نتیجه شما از من یاد می‌گیری.

Your behavior will change.

رفتار تو عوض خواهد شد.

I wanna give you awareness.

من می‌خواهم به شما آگاهی بدهم.

Stay put.

همانجا بمان.

Don't move.

حرکت نکن.

Hang in there.

همانجا بمان.

So/ therefore everybody is a salesperson.

بنابراین همه فروشنده هستند.

If you are a boy, you are a sales boy.

اگر تو یک پسری، تو یک فروشنده پسر / پسر فروشنده هستی.

If you are a man, you are a salesman.

اگر تو یک مردی، تو یک مرد فروشنده هستی.

If you are a woman, you are a saleswoman.

اگر تو یک زنی، تو یک زن فروشنده هستی.

It is under your flesh and blood.

آن زیر گوشت و خون شماست.

It is in your vessels.

آن در رگهای شماست.

It is in your heart.

آن در قلب شماست.

You must be a seller.

تو باید یک فروشنده باشی.

Because you wanna make money!

زیرا تو میخواهی پول در بیاوری.

Money talks!

پول حرف اول را میزند.

Money is honey.

پول عسل است.

I am a big shot.

من یک آدم معروف هستم.

I am a big name.

من یک آدم معروف هستم.

I am the top banana.

من رییس کل هستم.

I am a big cheese.

من یک آدم با نفوذ هستم.

I am a fat cat.

من یک آدم با نفوذ هستم.

I am a big nose.

من یک آدم فضول هستم.

It is none of your business.

به شما ربطی ندارد.

What do you care?

به توجه؟

Don't ask me.

از من نپرس.

Don't come to me.

پیش من نیا.

Don't put your nose into my life.

دماغت را در زندگی من نکن.

Because selling is a subject!

زیرا فروش یک سوژه است.

I need only 500 followers.

من فقط به ۵۰۰ فالوور نیاز دارم.

I don't care about others.

من درباره دیگران اهمیتی نمیدهم.

I wanna teach you selling.

من میخوام به شما فروش آموزش بدهم.

That's great/ perfect/ fantastic.

آن عالی است.

Sit tight.

همانجا که هستی بنشین.

Hang in there.

همانجا بمان.

I know English.

من انگلیسی بلدم.

My English is good.

انگلیسی من خوب است.

I'm teaching English.

من دارم انگلیسی تدریس میکنم.

I have a number of students.

من چند تا شاگرد دارم.

I have a number of private students.

من چند تا شاگرد خصوصی دارم.

But my business is not good.

اما بیزینس من خوب نیست.

I cannot make money.

من نمیتوانم پول در بیاورم.

She makes money, but a little.

او پول در می آورد اما یک کم.

About 10 million Tomans a month!

در حدود ۱۰ میلیون تومان در ماه.

Do you have an Instagram?

آیا تو اینستاگرام داری؟

What about a Telegram channel?

کانال تلگرام چطور؟

I have Telegram/ Instagram/ WhatsApp.

من تلگرام/ اینستاگرام/ واتساپ دارم.

I am in the social media.

من در شبکه های اجتماعی هستم.

I have a social medium.

من یک رسانه اجتماعی دارم.

What is the name?

اسمش چیست؟

I cannot make money from it.

من نمیتوانم از آن پول در بیاورم.

You are a loser.

تو یک بازنده ای.

Private/ personal Instagram!

اینستاگرام شخصی/ خصوصی.

Public Instagram!

اینستاگرام عمومی.

Occupational!

شغلی

You must make money.

تو باید پول در بیاوری.

You have an Instagram.

تو یک اینستاگرام داری.

You are active in it.

تو در آن فعال هستی.

You have to work.

تو باید کار کنی.

You have to make money from it.

تو باید از آن پول در بیاوری.

If you don't make money from Instagram, you are a loser.

اگر تو از اینستاگرام پول در نمیآوری، تو یک بازنده ای.

You are losing your life.

تو داری زندگی ات را می بازی.

You are losing your time/age/ life.

تو داری زمانت/ عمرت/ زندگی ات را میبازی.

As a result, you are losing your money.

در نتیجه تو داری پولت را می بازی.

Money is important.

پول مهم است.

For everybody!

برای همه.

For students/ doctors/dentists/ lawyers/ judges/ pilots!

برای دانش آموزان/ دکترها/ دندانپزشکان/ وکلا/ قضات/ خلبان ها.

For everybody at any age!

برای همه در هر سنی.

You are a nurse/ teacher/ general practitioner.

تو یک پرستار/ معلم/ پزشک عمومی هستی.

You need internet.

تو به اینترنت نیاز داری.

You have a social medium.

تو یک رسانه اجتماعی داری.

It is your window.

آن ویترین توست.

I can make money from Instagram.

من میتوانم از اینستاگرام پول در بیاورم.

I teach English.

من انگلیسی تدریس میکنم.

I give my information to everybody.

من اطلاعاتم را به همه میدهم.

You use it.

تو از آن استفاده میکنی.



You enjoy it.

تو از آن لذت میبری.

As a result, you call me.

در نتیجه به من زنگ میزنی.

Where are you?

کجایی؟

I need your package.

من به پکیج تو نیاز دارم.

Please give me information about your package.

لطفاً به من درباره پکیج اطلاعات بده.

Because I need English!

زیرا من به انگلیسی نیاز دارم.

English is a need/ must.

انگلیسی یک نیاز/ باید است.

I wanna migrate to Canada.

من میخوام به کانادا مهاجرت کنم.

I wanna immigrate to Canada.

من میخوام به کانادا مهاجرت کنم.

I wanna go to Dubai/ Malaysia.

من میخوام به دبی/ مالزی بروم.

In Nowrouz!

در نوروز.

Because of this, I need English.

به این دلیل من ب انگلیسی نیاز دارم.

Please help me.

لطفا به من کمک کن.

I want your package.

من پکیج تو را میخواهم.

You refer to me and you ask about my package.

تو به من رجوع میکنی و تو درباره پکیج من میپرسی.

It's a fact/ reality.

یک واقعیت است.

Attraction

جذب

You must attract the people.

تو باید مردم را جذب کنی.

You must attract your audience.

تو باید مخاطب خودت را جذب کنی.

Physicians/ soccer players/ actors/ sports people/ athletes/ business people!

پزشکان/ بازیکنان فوتبال/ هنرپیشگان/ افراد ورزشی/ ورزشکاران/ تجار.

And so on!

و غیره و...

Find your audience.

مخاطبت را پیدا کن.

Who is your audience?

مخاطب تو کیست؟

Find them.

آنها را پیدا کن.

Speak with them.

با آنها صحبت کن.

Persuade them.

آنها را متقاعد کن.

Convince them.

آنها را متقاعد کن.

Put forward your information.

اطلاعاتت را مطرح کن.

You must make trusts.

تو باید اعتمادسازی کنی.

I am your student.

من شاگرد تو هستم.

I am your customer.

من مشتری تو هستم.

I am your client.

من مشتری تو هستم.

I need you.

من به تو نیاز دارم.

I need your information.

من به اطلاعات تو نیاز دارم.

You must market yourself.

تو باید خودت را نمایش بدهی.

Show yourself.

خودت را نشان بده.

Just attract the people.

فقط مردم را جذب کن.

Attract the audience.

مخاطب را جذب کن.

They come to you.

آنها به سمت تو می آیند.

They refer to you.

آنها به تو رجوع میکنند.

They speak/talk with you.

آنها با تو صحبت میکنند.

They negotiate with you.

آنها با تو مذاکره میکنند.

What do you have?

چی داری؟

What do you sell?

چی میفروشی؟

I sell pizzas/ sandwiches/ different types of foods!

من پیتزاها/ ساندویچ ها / انواع مختلف غذاها را میفروشم.

I sell salads.

من سالاد میفروشم.

You need an idea.

توبه یک ایده نیاز داری.

What is your idea?

ایده تو چیست؟

What is your plan?

برنامه تو چیست؟

Two sandwich places!

۲ تا ساندویچ فروشی.

That guy sells more.

آن آدم بیشتر میفروشد.

But this guy sells a little.

اما این آدم یک کم میفروشد.

What is his plan?

برنامه اش چیست؟

Why cannot he sell?

چرا او نمیتواند بفروشد؟

Find the reasons.

دلایل را پیدا کن.

Maybe his behavior is bad.

شاید رفتارش بد است.

Maybe he is unfriendly.

شاید او بداخلاق است.

He is very sulky.

او اخمو است.

He doesn't talk to you.

او با تو صحبت نمیکند.

He doesn't like you.

او تو را دوست ندارد.

He doesn't smile.

او لبخند نمیزند.

He doesn't laugh.

او نمی خندد.

He doesn't respect you.

او به تو احترام نمیگذارد.

There are a lot of reasons.

دلایل زیادی وجود دارد.

There are different reasons.

دلایل متعدد وجود دارد.

But that guy sells very much.

اما آن آدم خیلی زیاد میفروشد.

Because he is a good boy!

چون او پسر خوبی است.

He is very friendly.

او خیلی خوش اخلاق است.

He is very happy.

او خیلی شاد است.

He is very smiling.

او خیلی لبخند میزند.

His decoration is ok.

دکوراسیونش خوب است.

His shop is beautiful.

مغازه اش زیباست.

He gives information to his customers.

اوبه مشتریانش اطلاعات میدهد.

Give me your telephone number.

شماره تلفنت را به من بده.

He has a list.

او یک لیست دارد.

List of information!

لیست اطلاعات.

The quality is high.

کیفیت بالاست.

Everything is clean.

همه چیز تمیز است.

The shop is clean.

مغازه تمیز است.

The decoration is great.

دکوراسیون عالی است.

The guy is a good guy.

طرف آدم خوبی است.

He is a happy person.

او فرد شادی است.

His energy is high.

انرژی اش بالاست.

His vibrations are high.

ارتعاشاتش بالاست.

He has a good vibe.

او حس و حال خوبی دارد.

You go to a shop/ store.

تو به یک مغازه میروی.

You get out.

تو بیرون می روی.

Because the vibe is down!

زیرا حس و حال آنجا پایین است.



The shop is out of energy.

مغازه خالی از انرژی است.

It's a negative place.

یک مکان منفی است.

It's a dirty place.

یک مکان کثیف است.

The salesman is on the phone.

فروشنده پشت تلفن است/ با تلفن صحبت میکند.

He doesn't care about you.

او به تو اهمیت نمیدهد.

He is very talkative.

او خیلی وراج است.

He is very rude.

او خیلی گستاخ است.

He is very cheeky.

او خیلی پررو/ گستاخ است.

He doesn't pay attention to you.

او به تو توجه نمیکند.

He doesn't look at you.

او به تو نگاه نمیکند.

He sits and sits and sits.

او می نشیند و می نشیند و می نشیند/ همیشه در حالت نشسته است.

He doesn't get up.

او بلند نمی شود.

He is all the time sitting.

او همش نشسته است.

You go to the shop.

تو به مغازه میروی.

Excuse me sir! I want that shirt.

ببخشید آقا من آن پیراهن را میخواهم.

I'm looking for a shirt.

من دارم دنبال یک پیراهن میگردم.

I'm looking for a tie/cap/ hat.

من دنبال یک کراوات/ کلاه لبه دار/ کلاه میگردم.

I'm looking for a pair of glasses/ pants/ socks.

من دنبال یک جفت عینک/ شلوار/ جوراب میگردم.

Go over there.

برو آنجا.

Go to that shelf.

برو به آن قفسه.

He is on the screen.

او روی صفحه موبایلش است.

He is chatting.

او دارد چت میکند.

He's playing the game.

او دارد گیم بازی میکند.

He is not a salesperson.

او یک فروشنده نیست.

You must give energy.

تو باید انرژی بدهی.

Honesty

صداقت

If you are honest/ level/ frank, the customer can understand this.

اگر شما صادق/ روراست/ روراست باشی مشتری این را میفهمد.

He can realize this.

او میتواند این را متوجه شود.

He realizes.

او متوجه میشود.

If your vibe is positive!

اگر حال و هوای تو مثبت باشد.

If you are a good/ perfect person!

اگر تو فرد خوبی/ عالی هستی.

If your knowledge is ok!

اگر دانش تو خوب است.

If you are honest/ frank/ level!

اگر تو صادق/ روراست/ روراست باشی.

The customer can realize it!

مشتری میتواند آن را متوجه شود.

He can understand this and then he can trust you.

او میتواند این را بفهمد وبنابراین او میتواند به تو اعتماد کند.

Trust making!

اعتماد سازی.

He talks with you.

او با تو صحبت میکند.

He gives his idea to you.

او نظرش را به تو میدهد.

He solves your problem.

او مشکلات را حل میکند.

You have a problem.

تو یک مشکل داری.

You have an issue.

تو یک معضل داری.

You need some help.

تو مقداری کمک نیاز داری.

There are different types/ kinds of sandwiches.

انواع مختلف ساندویچ ها وجود دارد.

This is my recommendation.

این توصیه من است.

You wanna get a car/ sandwich/ computer/ camera.

تو میخواهی یک ماشین/ ساندویچ/ کامپیوتر/ دوربین بخری.

You wanna get something.

تو میخواهی چیزی بخری.

You go to the person with a lot of energy.

تو به سمت فردی با انرژی مثبت خیلی زیاد میروی.

If your energy is high!

اگر انرژی تو بالاست.

If your vibrations are high!

اگر ارتعاشات تو بالاست.

If you are friendly and smiling and you are a good person!

اگر تو خوش اخلاق و لبخندزنان هستی و تو فرد خوبی هستی.

That guy can trust you.

آن فرد میتواند به تو اعتماد کند.

You go and buy.

تو میروی و میخری.

You give your telephone number to him.

تو شماره تلفنت را به او میدهی.

What is your telephone number/ mobile number?

شماره تلفنت/ شماره موبایل چیست؟

Please give me your telephone number/ digits.

لطفا شماره تلفنت را به من بده.

Please give me your email address/ Instagram page/ telegram channel/ WhatsApp number.

لطفا آدرس ایمیل/ پیج اینستاگرام/ کانال تلگرام/ شماره واتساپ را به من بده.

Because he can trust you!

زیرا او میتواند به تو اعتماد کند.

They trust you.

آنها به تو اعتماد میکنند.

You are selling a product/ commodity.

تو داری یک محصول/ کالا میفروشی.

I'm selling my English knowledge.

من دانش انگلیسی ام را میفروشم.

You must trust me.

تو باید به من اعتماد کنی.

If I am not trustable, you won't come to me.

اگر من قابل اعتماد نباشم، تو به سمت من نخواهی آمد.

You won't refer to me.

تو به من رجوع نخواهی کرد.

You will kiss me goodbye.

تو قید مرا خواهی زد.

Rise on your feet and walk and go to the customer.

روی پاهایت بلند شو و راه برو و برو به سمت مشتری.

And talk to the customer.

و با مشتری صحبت کن.

Solve his problem.

مشكلش را حل كن.

Solve their problems.

مشكلاتشان را حل كن.

He wanna buy a pair of shoes/ sneakers/ trainers/ socks/pants.

او ميخواهد يك جفت كفش/ كفش كتاني/ كفش كتاني/ جوراب/ شلوار بخرد.

He wanna buy something.

او ميخواهد چيزي بخرد.

Even he wanna pair of boots!

حتي او ميخواهد يك جفت بوت بخرد.

A shirt/ hat/ belt/ scarf!

يك پيراهن/ كلاه/ كمر بند/ روسري.

What is your idea about this?

نظرت درباره اين چيست؟

What do you think of this?

تو درباره اين چه فكري داري؟

What is your recommendation?

توصيه تو چيست؟

What is your suggestion?

پيشنهاد تو چيست؟

This hat is old-fashioned.

اين كلاه از مد افتاده است.

This hat is out-dated.

این کلاه از رده خارج شده است.

This one is better.

این یکی بهتر است.

This model is better.

این مدل بهتر است.

This model is great.

این مدل عالی است.

It's fashionable.

این مد روز است.

It's on- trend.

ترند است.

It's a trend color.

یک رنگ ترند است.

Give examples.

مثال بزن.

Show pictures/ images.

عکس هایی نشان بده.

This commodity is a best seller.

این کالا پر خرید است/ همه آن را می خرند.

It's very fashionable.

خیلی مد است.



It's on-fashion.

روی مد است.

It's on the moda.

مد است.

This belt is very good.

این کمربند خیلی خوب است.

This belt suits you.

این کمربند به تو می آید.

This hat/ shirt suits you.

این کلاه/ پیراهن به تو می آید.

This shirt is good on you.

این پیراهن به تو می آید.

This is a good perfume.

این ادکلن خوبی است.

Test it.

آن را تست کن.

Try it on.

آن را تنت کن/ امتحانش کن.

Try on.

تنت کن.

Try on this perfume.

این ادکلن را تنت کن/ تست کن.

Put on the perfume.

ادکلن را بپوش/ بزن.

I like this perfume/ shirt/ hat.

من این ادکلن/ پیراهن/ کلاه را دوست دارم.

I like this belt/ skirt/ vest.

این کمر بند/ پیراهن/ جلیقه را دوست دارم.

I want it.

من آن را میخوام.

How much is it?

این چند است؟

It's 25 dollars.

۲۵ دلار است.

It's very expensive for me.

برای من خیلی گران است.

I don't want it.

من آن را نمیخوام.

I'll take it.

آن را خواهم برد.

Internet selling!

فروش اینترنتی

Instagram selling!

فروش اینستاگرامی.

Telegram/ WhatsApp selling!

فروش تلگرام/ واتساپ.

Give energy.

انرژی بدهید.

Make relations.

ارتباط برقرار کنید.

Make trust.

اعتماد ایجاد کن.

And take/ get telephone numbers.

و شماره تلفن ها را بگیر.

I wanna send you a post card.

من میخوامم برای شما کارت پستال بفرستم.

I wanna send you some prizes.

من میخوامم برای شما چند جایزه بفرستم.

Are you hitting on me?

تو داری مخ مرا میزنی؟

You need some leads/ clues.

تو چند سرنخ نیاز داری.

Numbers

شماره ها

Email address

آدرس ایمیل

Telegram/ WhatsApp channel!

کانال واتساپ/ تلگرام

Instagram page

پیج اینستاگرام

If you don't give energy, you cannot get money.

اگر انرژی ندهی نمیتوانی پول بگیری.

This is the code of success.

این کد موفقیت است.

Don't get tired.

خسته نشو.

How much is it?

این چند است؟

20 dollars!

۲۰ دلار.

What about this/ that?

این / آن چطور؟

That's enough.

بس است.

Dummy!

بیشعور / اسکول.

Don't ask me questions.

از من سوال نپرس.

Get lost.

گمشو.

This guy is a psycho.

این آدم یک روانی است.

He is a dummy guy.

او یک آدم بیشعور / اسکول است.

I hate you.

من از تو متنفرم.

This shop is bad.

این مغازه بد است.

This guy is bad.

این آدم بد است.

This salesman/ sales girl is bad.

این فروشنده مرد / فروشنده دختر بد است.

Be patient.

صبور باش.

Patience!

صبر.

This salesman is a good man.

این فروشنده مرد خوبی است.

He is truthful.

او راست گو است.

He is honest.

او صادق است.

He's not a liar.

او یک دروغگو نیست.

Look at this vase.

این گلدان را ببین.

Look this armchair.

این صندلی راحتی را ببین.

This table/ sofa!

این صندلی/ کاناپه

Look at this computer/ laptop/ radio/ television.

به این کامپیوتر/ لپ تاپ/ رادیو/ تلویزیون نگاه کن.

This table is the best.

این میز بهترین است.

Stop lying.

دروغ گفتن را بس کن.

Don't continue.

ادامه نده.

You are lying to me.

تو داری به من دروغ میگی.

I'm not a kiddo/ child.

من بچه نیستم.

He is insulting you.

او دارد به تو توهین میکند.

He is insulting your knowledge.

او دارد به دانش تو توهین میکند.

He is insulting your intelligence.

او دارد به شعور / فهم / هوش تو توهین میکند.

How much is this table?

قیمت این میز چند است؟

I will be back again.

من دوباره برخواهم گشت.

Don't beg.

التماس نکن.

If you are an honest person!

اگر تو فرد صادقی باشی.

If you are a truthful/ good person!

اگر تو فرد راستگویی/ خوبی باشی.

If your vibe is positive!

اگر حال و هوای تو مثبت باشد.

If your vibe is high!

اگر وایب تو بالا باشد.

If your knowledge/ information is ok!

اگر دانش/اطلاعات تو خوب باشد.

And you are honest/ frank/ on the level!

و تو صادق/ روراست/ رک و راست هستی.

And your commodity/ product is excellent.

و کالا/ محصول تو عالی است.

He will come to you and he will buy from you.

او پیش تو خواهد آمد و او از تو خواهد خرید.

This product is the best.

این محصول بهترین است.

Nobody has this.

هیچکس این را ندارد.

This is unique.

این بی نظیر است.

This is number one.

این درجه یک است.

I am the only person who has this table/ pen.

من تنها فردی هستم که این میز/ خودکار را دارد.

You are a liar.

تو یک دروغگویی.

See you never.

هرگز نبینمت.

Maybe you will start a fight.

ممکن است یک دعوا شروع کنی.



Don't argue with me.

با من بحث نکن.

If you have questions, ask me.

اگر سوالی داری از من بپرس.

About this product!

درباره این محصول.

About the table/ pen/ computer/ camera!

درباره میز / خودکار / کامپیوتر / دوربین.

About the bookshelf!

درباره قفسه کتاب.

About the shirt/ vest/ belt/ shoes/perfume!

درباره پیراهن / جلیقه / کمر بند / کفش ها / ادکلن.

Ask me.

از من بپرس.

All the time, you are smiling.

همیشه در حال لبخند زدن هستی.

Don't go to the privacy.

به حریم شخصی نزدیک نشو.

Be relaxed.

ریلکس باش.

You should look good-looking and hand-some.

تو باید خوش قیافه و خوش تیپ به نظر بیایی.

Use perfume.

عطر / ادکلن استفاده کن.

We produce the shirts.

ما پیراهن ها را تولید میکنیم.

We produce the belts.

ما کمربندها را تولید میکنیم.

It is made in Turkey/ Japan.

آن ساخت ترکیه/ ژاپن است.

It is made in china/ Malaysia/ Korea.

آن ساخت چین/ مالزی/ کره است.

This is the brand name.

این نام برند است.

Test it.

امتحان کن.

I like it.

من دوستش دارم.

This mincer is very good.

این چرخ گوشت خیلی خوب است.

This blender is excellent.

این آبمیوه گیری / مخلوط کن عالی است.

This vacuum cleaner is beautiful.

این جاروبرقی زیباست.

This washing machine is excellent.

این ماشین لباسشویی عالی است.

It's modern and the price is reasonable.

آن مدرن است و قیمت معقول است.

Let me check.

بگذار چک کنم.

Go to this site.

برو به این سایت.

Buyer

خریدار

You will retain him.

تو او را نگه خواهی داشت.

You will keep him.

تو او را نگه میداری.

Convert him!

او را تبدیل کن.

Change him into a buyer.

او را به یک خریدار تبدیل کن.

Curiosity

کنجکاوی

Window shopping

ویترین

Window shopper

کسی که به ویترین مغازه ها نگاه میکند.

Create contents!

محتوا تولید کن.

Content creation!

تولید محتوا

A hundred customers round the grass!

صد مشتری دور سبزه.

2 people only purchase.

۲ نفر فقط میخرند.

They're just looking.

آنها فقط نگاه می کنند.

Give information.

اطلاعات بده.

Don't lie.

دروغ نگو.

You can exaggerate.

تو میتوانی اغراق کنی/ مبالغه کنی.

You are a liar-liar.

تو یک دروغگوی به تمام معنایی.

It's a white lie.

دروغ مصلحتی است.

It's a pleasant lie.

یک دروغ خوشایند است.

Intention

نیت/ قصد

Purpose

هدف/ قصد

You need a good intention.

تو به یک قصد خوب نیاز داری.

I don't have any skills, but I can speak very well.

من هیچ مهارتی ندارم اما میتوانم خیلی خوب صحبت کنم.

Your father was a salesman.

پدر تو یک فروشنده بود.

Your father was working in a car exhibition.

پدر تو در یک نمایشگاه ماشین کار میکرد.

Furniture exhibition!

نمایشگاه مبیل.

You can be a good salesman.

تو میتوانی یک فروشنده خوب باشی.

You can make a good salesman.

تو میتوانی یک فروشنده خوب از آب دربیایی.

It's not like this.

اینطور نیست.

I cannot believe this.

من نمیتوانم این را باور کنم.

It's not right.

آن درست نیست.

This idea is not correct.

این ایده/ نظر درست نیست.

This idea is completely incorrect.

این ایده/ نظر کاملا اشتباه است.

This idea is completely untrue.

این نظر کاملا غیرواقعی است.

Maybe you are not a good salesman.

شاید تو یک فروشنده خوبی نیستی.

Focus on your customers.

روی مشتری هایت تمرکز کن.

Sometimes the salesperson is missing.

بعضی اوقات فروشنده نیست/ غایب است.

He is out.

او بیرون است.

He is not around.

او دور و اطراف نیست.

He doesn't give you information.

او به تو اطلاعات نمیدهد.

He is on the phone.

او با تلفن حرف میزند.

He is on the screen.

او روی صفحه موبایلش است.

He is chatting.

او دارد چت میکند.

He doesn't come to you.

او پیش تو نمی آید.

He doesn't pay attention to you.

او به تو توجه نمیکند.

He doesn't care about you.

او به تو اهمیت نمیدهد.

He doesn't care a pin.

او به اندازه یک ارزن اهمیت نمیدهد.

He is miles away.

او مایلها دور است/ حواسش اینجا نیست.

He is off the rails.

او حواسش پرت است.

He is out to lunch.

او جای دیگری است.

His mind/ brain is somewhere else.

ذهنش/ مغزش جای دیگری است.

He is out of the store/ shop/ company.

او خارج از مغازه/ مغازه/ شرکت است.

Clumsy

شلخته / بدترکیب

Pay attention to everything.

به همه چیز توجه کن.

The smell of your shop/ body/ clothes!

بوی مغازه ات/ بدنت/ لباسهایت.

The floor should be clean.

کف زمین باید تمیز باشد.

Espresso machine!

دستگاه اسپرسو.

I am here because I wanna get a shirt/ tie/ hat/ a pair of shoes.

من اینجا هستم چون من میخوام یک پیراهن/ کراوات/ کلاه/ یک جفت کفش بخرم.

What are you doing?

تو داری چکار میکنی؟

Hubble-bubbles/ hookah/ shisha!

قلیان.

I'm smoking a cigarette.

من دارم سیگار میکشم.

What's your size?

سایزت چیست؟



What's your favorite model?

مدل مورد علاقه ات چیست؟

This is my suggestion.

این پیشنهاد من است.

This is my recommendation.

این توصیه من است.

I'm looking for a chair.

من دارم دنبال یک صندلی میگردم.

He is not a salesperson.

او یک فروشنده نیست.

Just swipe your card.

فقط کارتت را بکش.

That's great on you.

آن روی تو عالی است.

It suits you.

آن به تو می آید.

It's good for you.

آن برای تو خوب است.

Because it goes with your hair!

زیرا آن به موی تو می آید.

It goes with your eyes/ skin.

آن به چشمان/ پوست تو می آید.

Avert your eyes.

چشمانت را درویش کن.

Dirty guy!

آدم کثیف.

You are dirt.

تو کثافتی.

That's very bad.

آن خیلی بد است.

You wanna be successful.

تو میخواهی موفق باشی.

You wanna grow.

تو میخواهی رشد کنی.

You wanna develop/ advance.

تو میخواهی پیشرفت کنی.

Educate yourself.

خودت را آموزش بده.

Let's start/ open a shop.

بیا یک مغازه بزنیم.

And sell cosmetics /make ups.

و لوازم آرایش بفروشیم.

And clothes/ bags/ furniture/ computers/ tables!

و لباسها/ کیفه ها/ مبلمان/ کامپیوترها/ میزها.

What do you mean?

منظورت چیست؟

I don't believe you.

من تو را باور ندارم.

It's wrong.

غلط است.

Fridge repairman!

تعمیرکار یخچال.

Repairer!

تعمیرکار

You are a repairperson.

تو یک تعمیرکاری.

You fix the refrigerator/ radio/ freezer.

تو یخچال/ رادیو/ فریزر تعمیر میکنی.

The market is ok in English.

بازار در انگلیسی خوب است.

You go and become an English teacher.

تو میروی و یک معلم زبان میشوی.

It's fully occupied.

آن کاملاً اشباع است.

You wanna start an English institute.

تو میخواهی یک موسسه زبان بزنی.

The market is occupied.

بازار اشباع است.

You wanna start a boutique.

تو میخواهی یک بوتیک بزنی.

You wanna open a boutique/ furniture store.

تو میخواهی یک بوتیک/ مغازه مبیل فروشی باز کنی.

You wanna open an exhibition.

تو میخواهی یک نمایشگاه باز کنی.

A car/ furniture exhibition!

یک نمایشگاه ماشین/ میلمان.

A computer shop/store!

یک مغازه کامپیوتر فروشی.

A CD store!

یک سی دی فروشی.

You wanna open a supermarket.

تو میخواهی یک سوپرمارکت بزنی.

Don't go to that business.

به سمت آن بیزینس نرو.

That business doesn't work.

آن بیزینس کار نمیکند.

That business is dead.

آن بیزینس مرده .

It's a temporary job.

آن یک شغل موقتی است.

Short leaved job!

شغل کوتاه مدت

It's a job for a short time.

آن یک شغل برای زمان کوتاهی است.

You must be friendly/ smiling.

تو باید خوش اخلاق/ لبخندزنان باشی.

Happy songs!

آهنگ های شاد.

You become an addict.

تو یک معتاد میشوی.

Be positive.

مثبت باش.

Positivity!

مثبت بودن.

Positivism!

مثبت گرایی.

You become a positive person.

تو یک فرد مثبت میشوی.

I am an optimist.

من یک آدم خوش بین هستم.

I'm always joking and laughing and smiling.

من همیشه شوخی میکنم و میخندم و لبخند میزنم.

I laugh with my children.

من با بچه هایم میخندم.

I joke with my children.

من با بچه هایم شوخی میکنم.

I can take a lot of jokes.

من خیلی زیاد جنبه شوخی دارم.

You cannot take a joke.

تو جنبه/ تحمل یک شوخی نداری.

You can joke/ kid with me.

تو میتوانی با من شوخی کنی.

You can laugh/ smile with me.

تو با میتوانی با من بخندی/ لبخند بزنی.

You can telephone/ SMS/ text/ mail me.

تو میتوانی به من تلفن کنی/ اس ام اس بدهی/ پیام بدهی/ میل بزنی.

You can talk to me.

تو میتوانی با من صحبت کنی.

You can go out with me.

تو میتوانی با من بیرون بروی.

You can walk with me.

تو میتوانی با من راه بروی.

You can travel with me.

تو میتوانی با من مسافرت بروی.

You can go on a trip.

تو میتوانی به یک سفر بروی.

You must be positive/ optimist.

تو باید مثبت/ خوش بین باشی.

Self-confidence

اعتماد به نفس

Self- esteem

عزت نفس

Self- respect

حرمت نفس

They are skills.

آنها مهارت هستند.

Learn to be a positive person.

یاد بگیر که یک فرد مثبت باشی.

Communicate and sit with positive people.

با افراد مثبت ارتباط برقرار کن و بنشین.

Don't go to the negative people.

به سمت مردم منفی نرو.

Don't listen to the negative songs and musical songs.

به ترانه ها و ترانه های موسیقایی منفی گوش نکن.

Make people happy.

مردم را شاد کن.

Your voice is attractive.

صدایت جذاب است.

Alluring

جذاب

Your voice is magical/ magic.

صدای تو جادویی است.

Your voice is excellent.

صدای تو عالی است.

Everybody is sad.

همه غمگین هستند.

I feel blue.

من احساس غمگینی دارم.

I feel depress.

من احساس افسردگی دارم.

I'm not happy.

من خوشحال نیستم.

I am unhappy.

من غمگین هستم.

I go to the cigarette/ faggot/ gasper.

من میروم به سمت سیگار / سیگار پردود / سیگار نازک.



Heroin/ Opium/ Hash

هروئین/ تریاک/ حشیش

Do yoga.

یوگا انجام بده.

You should do meditation.

تو باید مدیتیشن انجام بدهی.

You should do yoga.

تو باید یوگا انجام بدهی.

Go to the positive people.

به سمت مردم مثبت برو.

Speak with the positive people.

با افراد مثبت صحبت کن.

Go walking/ running/ climbing.

برو پیاده روی/ دو/ کوهنوردی

Play sports.

ورزش کن.

Eat good foods.

غذاهای خوب بخور.

Don't go to the smokes.

به سمت دودها نرو.

Don't listen to the sad songs.

به آهنگ های غمگین گوش نکن.

You become sad.

تو غمگین میشوی.

You become a sad person.

تویک فرد غمگین میشوی.

You become unhappy.

تو غمگین میشوی.

You become depressed.

تو افسرده میشوی.

It will give you depression.

آن به تو افسردگی خواهد داد.

It can omit your relaxation.

آن میتواند آرامش تو را حذف کند.

It can omit your hope.

آن میتواند امید تو را حذف کند.

Today I taught a lot of words.

امروز من لغتهای زیادی آموزش دادم.

Now you're watching me and you're learning words.

و اکنون شما دارید مرا تماشا میکنید و لغات را یاد میگیرید.

You can take notes and you can learn English.

شما میتوانید یادداشت بردارید و میتوانید انگلیسی یاد بگیرید.

You can improve your English.

شما میتوانید انگلیسی تان را بهبود ببخشید.

And you can learn sentences/ new sentences.

شما میتوانید

Cunning people!

افراد حقه باز

Tricky people

افراد فریب کار

Charlatans

شارلاتان ها

Negative people

افراد منفی

Because everybody is cursing them!

زیرا همه آنها را نفرین میکنند/ فحش میدهند.

You become the same as him.

شما مثل او می شوید.

Find good friends.

دوستان خوب پیدا کن.

Don't go to the wrong / false friends.

به سمت دوستان اشتباه/ غلط نرو.

Jerky friends

دوستان عوضی

Don't go to the jerk and creepy friends.

سمت دوستان عوضی و دوزاری نرو.

Don't go to the foxy friends.

سمت دوستان روباه صفت نرو.

Loyal

با وفا

Trustworthy people!

افراد قابل اعتماد

Frank/ honest/ truthful people

افراد روراست/ صادق/ راستگو

Positive people

افراد مثبت

Calm people

افراد آرام

Don't go to the nervous /furious / angry/ unfriendly/ talkative people.

به سمت افراد عصبی/ خشمگین/ عصبانی/ بد اخلاق/ وراج نرو.

Don't go to the ugly people.

به سمت افراد بیربخت نرو.

Be friends with me.

با من دوست باشید.

I'm a good man.

من مرد خوبی هستم.

You can improve in your life / business.

شما میتوانید در زندگی تان/ بیزینس تان پیشرفت کنید.

And you become a successful person in your life.

و یک فرد موفق در زندگی تان شوید.

You will enjoy.

تو لذت خواهی برد.

And you will learn.

و شما یاد خواهید گرفت.

And you will improve your life/ business and you become a positive person.

و شما در زندگی تان/ بیزینستان پیشرفت خواهید کرد و شما یک فرد مثبت می شوید.

You become a successful person.

شما یک فرد موفق میشوید.

My lessons/ teachings will give you positivity and positivism and energy and love and life.

درسها/ آموزش های من به شما مثبت بودن و مثبت گرایی و انرژی و عشق و زندگی خواهد داد.

My pleasure!

باعث افتخار من بود.

You are in my heart.

شما در قلب من هستید.

Happy Nowrouz in advance!

نوروز پیشاپیش مبارک.

Cheer up!

به سلامتی و دل خوش.